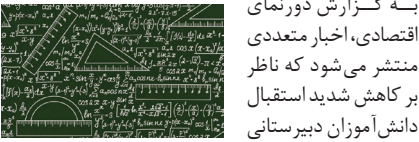


خبر
<div>بازار کساد رشته ریاضی در مدارس کشور</div>



به گزارش دورنمای اقتصادی، اخبار متعددی منتشر می‌شود که ناظر بر کاهش شدید استقبال دانش‌آموزان دبیرستانی از رشته ریاضی فیزیک

است و این اتفاق به یک نگرانی برای مسئولان کشور تبدیل شده است.
محمد مهدی کاظمی، معاون متوسطه آموزش و پرورش کشور، گفته است که هم‌اکنون تنها ۱۴درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی در رشته ریاضی فیزیک تحصیل می‌کنند و بیشتر دانش‌آموزان رشته تجربی را برای تحصیل انتخاب کرده‌اند. این اتفاق می‌تواند در آینده نزدیک به تعطیلی بسیاری از رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌ها تبدیل شود و نیز از این محل تهدیدهای فراوانی را پیش‌روی آینده کشور در فرایند توسعه و عمران و آبادانی کشور ایجاد کند.
برخی بر این باور هستند که دلیل این بی‌میلی به رشته ریاضی فیزیک در مدارس کشور، بیکاری دانش‌آموختگان این رشته در دانشگاه‌های کشور است.

در همین راستا برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که جمع زیادی از دانش‌آموختگان مهندسی کشور اکنون در رشته‌های غیر تخصصی مشغول به کار شده‌اند و گزارش‌های مستند دیگر نشان می‌دهد که بیشترین بیکاران مهندسی متعلق به رشته‌های ساخت و تولید است.
همانطور که اشاره شد از این محل تهدیدهایی جدی متوجه آینده کشور خواهد بود که نباید این تهدیدها را کوچک تصور کرد.
به‌طور مثال و قطع به یقین این رویه سبب خواهد شد تا در آینده نزدیک بسیاری از رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌ها تعطیل شوند.
همچنین شمار دانش‌آموختگان مهندسی کشور بسیار کاهش خواهد یافت و این موضوع سبب خواهد شد تا در فرایند توسعه و آبادانی کشور اشکالات جدی و ریشه‌ای رخ دهد، و چه‌بسا نیازمند وارد کردن متخصص مهندسی شوم.
بر همین اساس به‌نظر می‌رسد ضمن لزوم جدی دانستن این تهدید باید نسبت به آگاهی بخشی و ترغیب دانش‌آموزان مستعد به رشته ریاضی فیزیک اقدامات عاجلی در دستور کار قرار بگیرد.

	نگاه <p>مجید پیشه؛ دکتری مدیریت منابع انسانی</p>	
---------------	--	---------------

منابع انسانی؛ زیرساخت هر تمدن

(دلالت‌ها، مصداق‌ها و راهکارها) - ۱

در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، نقش منابع انسانی در کارآمدی دین و تعالی نظام اسلامی منظر به‌فرد است و اگر منابع انسانی متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی تربیت و انتخاب نکرند، نمی‌توان به مقاصد عالی انقلاب دست یافت. در همین راستا نگارنده تلاش دارد در یادداشت چندبخشی مبتنی بر بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب (حفظ‌الله تعالی) به تبیین دلالت‌ها، مصداق (یجابی و سلبی) و راهکارهای شناسایی و پرورش نشاء تمدن‌ساز بپردازد. از منظر ایشان به مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی، مقصود نهایی از انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی در زنجیرهای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاقی بنا شده است.



ایشان معتقدند: «زیرساخت اصلی هر تمدنی، منابع انسانی است» (۱۴۰۱/۰۲/۲۱) و «برای ایجاد یک تمدن اسلامی

— مانند هر تمدن دیگر — دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان» (۱۳۹۰/۰۷/۱۴) و «برای یک کشور، برای یک تمدن، برای یک ملت، مهم‌تر از همه سرمایه‌ها، سرمایه انسانی است و نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به‌وجود نخواهد آمد» (۱۳۹۸/۰۲/۱۱). «عقودت به، عظیم له در دینار با تمدن پژوهان، «و همچنین «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمِ» (تین/۴)، تکریم انسان و استعداد بی‌پایان انسان را از جمله وظایفی می‌دانند که در ساخت فرد و حکومت به‌عنوان نتایج عملی آن بیشن تجلی می‌یابد (۱۳۹۰/۰۹/۱۲).

معظم له در دیدار اخیر جمعی از معلمان، برخی خصوصیات نسلی که می‌تواند تمدن نوین اسلامی را بسازد، چنین برشمردند: «دارای هویت اسلامی ایرانی محکم و اصیل، آشنا و آمیخته با آرمان‌های انقلاب، برخوردار از روحیه مقاومت، دانان و دانشمند، خودساخته، آشنا با سبک زندگی و سنت‌های ایرانی، بر‌خوردار از اعتماد به نفس ملی، بدون دلباختگی به شیرق و غرب، آشنا با افتخارات ملی، کارآمد و ماهر» (۱۴۰۱/۰۲/۲۱) و این خصوصیات هم راستا باشأن جانشینی و خلیفه‌اللهی انسان روی زمین بوده (بقره/ ۳۰) که متناسب با عصری است که برخی پژوهشگران در سیر تطور تاریخ بشریت پس از گذران از دوره‌هایی چون عصر اولیه، شکار، کشاورزی، انقلاب صنعتی و اطلاعات، از آن به‌عنوان «عصر معنویت» یاد می‌کنند.



افول علوم پایه؛ چالش جدی برای توسعه

واکاوی وضعیت و چالش‌های علوم پایه در ایران در گفت‌وگو با حسین نصیری، کارشناس سر‌مرکز پژوهش‌های مجلس

	اندیشه علم <p>محمدصادق عبداللهی</p>	
---------------	---	---------------

«ما در علوم پایه باید سرمایه‌گذاری مستمر بکنیم و حرکتمان حرکت پیش‌دستانه باشد؛ یعنی سعی کنیم به‌استقبال حقایق کشف‌نشده‌عالم برویم.»؛ این در خواستنی بود که رهبر معظم انقلاب در سال۱۳۹۸در جمع استادان و نخبگان دانشگاهی از دست‌اندر کاران آموزش عالی کشور داشتند. اما حالا با گذشت ۳سال اخبار از افت کیفیت وضعیت علوم پایه در کشور خیر دارند. در همین خصوص گفت وگویی با دکتر حسین نصیری، کارشناس سر‌مرکز پژوهش‌های مجلس داشته‌ایم. او که به تازگی گزارشی در خصوص وضعیت علوم پایه در مرکز پژوهش‌های زمین‌شناسی کرده است از وضعیت علوم پایه در کشور و چالش‌های سیاستی واجرائی آن می‌گوید. حاصل این مصاحبه در ادامه از نظر می‌گذرد.

لطفاً در ابتدا تعریفی از علوم پایه برای خوانندگان ما بفرمایید و از کار کردهای آن بگویید تا اهمیت آن را بیشتر بدانیم.

علوم پایه، علمی هستند که به بررسی بنیادین پدیده‌ها یا بررسی ماهیت، قوانین و روابط حاکم بین آنها می‌پردازد. این علوم زیربنای اصلی سایر دانش‌ها به‌شمار می‌روند؛ رشته‌هایی همچون زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک، ریاضی وزمین‌شناسی که هم تجارب جهانی و هم تجربیات ملی ما نشان داده است که اهمیت بسیار ویژه‌ای دارند و منشا و زمینه‌ساز پیشرفت در سایر حوزه‌ها به‌شمار می‌روند. در حوزه پژوهشی نیز مطرح می‌شود که علوم پایه به درک اساسی از پدیده‌های طبیعی می‌پردازند. در کل می‌توان گفت که دستاوردهای مهم بشری طی قرون گذشته و هم‌اکنون، مدیون و مرهون فعالیت‌های دانشمندان در رشته‌های همچون فیزیک و شیمی هستند؛ این دستاوردهای بزرگی همچون تولید انواع واکسن‌ها ناشی از توسعه و رشد علوم پایه بوده است. انرژی هسته‌ای مدیون توسعه حوزه علوم پایه و تلاش‌های دانشمندان در رشته‌های همچون فیزیک و شیمی است. هسته‌ای بوده است و همینطور می‌توان اشاره کرد به دستاوردهایی همچون سلول‌های بنیادین و علوم‌شناختی.

آمار مشخصی از وضعیت دانشجویان و استادان علوم پایه در کشورمان وجود دارد؟
طبق آمار تعداد کل دانشجویان علوم پایه در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ حدود ۲۰۶هزار نفر بوده است؛ ۱۰۵هزار نفر از این تعداد در وزارت علوم، ۱۸هزار نفر در دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه فرهنگیان و وزارت بهداشت خیلی اندک و دانشگاه آزاد هم ۶۶هزار نفر؛ حدود ۱۴۸هزار نفر در مقطع لیسانس، ۳۹هزار نفر در مقطع ارشد و ۱۷هزار نفر هم در مقطع دکتری. این آمار اگر با هدف در نظر گرفته شده در برنامه ششم توسعه مقایسه شود، شاهد فاصله بسیاری هستیم. برای سال ۱۳۹۹هدف‌گذاری شده بود که تعداد دانشجویان علوم پایه در تمامی این مقاطع به ۳۷۰هزار نفر برسد اما همانطور که عرض شد با فاصله حدود ۱۶۴هزار نفری مواجه هستیم. در حوزه تحصیلات تکمیلی هم به همین صورت. در این حوزه برای سال۱۳۹۹هدف‌گذاری شد ۱۷۵هزار نفر؛ اما آنچه وجود دارد ۲۲۲۲هزار نفر است و حدود ۸۰هزار نفر با هدف‌گذاری فاصله داریم؛ یعنی می‌شود گفت که به‌طور میانگین حدود ۵۰درصد از هدف در نظر گرفته شده، فاصله داریم و نتوانستیم اهداف خود را محقق کنیم.

چه عواملی باعث شده است که نتوانیم این اهداف را محقق کنیم و چنین فاصله‌ای را شاهد باشیم؟

دلایل متعددی دارد. یکی از حوزه‌هایی که باید ویژه مطالعه شود مقطع لیسانس است که دانشجویان از طریق کنکور وارد دانشگاه می‌شوند. سال ۱۳۹۹افقط ۱۰درصد از داوطلبان در گروه ریاضی ثبت‌نام کردند؛ درحالی‌که در سال‌های ۱۳۹۵و ۱۳۹۰این آمار



افول علوم پایه؛ چالش جدی برای توسعه

واکاوی وضعیت و چالش‌های علوم پایه در ایران در گفت‌وگو با حسین نصیری، کارشناس سر‌مرکز پژوهش‌های مجلس

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

وجود رویکرد حمایتی قوانین، سازوکارهای حمایتی دقیقی برای دستگاه‌های اجرایی، شفاف نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که در اسناد بالادستی، من جمله نقشه جامع علمی کشور که راهبرد کلان سیزدهم به‌طور خاص به علوم پایه پرداخته، سیاست‌هایی مشخص شده و انتظار بر این بوده که دستگاه‌های قانونگذار که مجلس در رأس آن است، قوانین ناظر بر این سیاست‌های کلی را به تصویب برساند تا وارد فرایند اجرا شود اما این را نمی‌بینیم و سیاست‌ها در سطح کلان باقی مانده‌اند. همچنین گاهی در اسناد بالادستی احکامی صادر شده اما وظایف دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده. مثلاً در موضوع ارتقای تحقیقات علوم پایه، سهم دستگاه‌های مختلف متولی امر همچون وزارت بهداشت، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و جهاد دانشگاهی مشخص نشده و در نتیجه دستگاه‌ها خودشان را ملزم به اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند. از سوی دیگر ضمانت اجرایی پایین سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از دلایل ضعف حوزه سیاستگذاری علوم پایه است. نکته‌بعدی‌رامی‌شود ناظر به تغییر و تحولات بسیاری

گفت‌مان اسلام
<div>به کدام مرجع و عالم دینی نزدیک شویم</div>

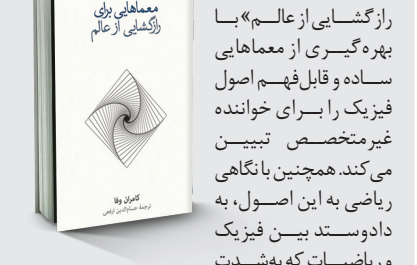
آیت‌الله شهیدسیدمحمد بهشتی:
وای بر عالم دینی‌ای که مردم هر چه به‌او نزدیک‌تر می‌شوند، از اسلام دورتر می‌شوند. مردم ما احتیاج دارند با کسانی روبه‌رو شوند که عمل آنها مجسمه اسلام باشد. اینگونه افراد می‌توانند در خلاق و خلاق سازنده باشند. اینگونه افراد می‌توانند در اعماق روح دیگران اثر بگذارند. و گر نه کسی از نظر علم، عالمی باشد بر جسته، از نظر سخنوری، سخنوری باشد ماهر، جذاب، گیرا، افسونگر، قلمش قلمی باشد سخار، برای چه خوب است؟ برای این خوب است که صد کیلومتر از مردم دور بنشینند و مردم را تبلیغ به اسلام کند. وای به آن وقتی که مردم به‌او نزدیک بشوند. هر چه به‌او نزدیک‌تر می‌شوند، از اسلام دورتر می‌شوند. برای اینکه می‌گویند اگر این چیزهایی که او می‌گوید حق است، پس چرا خودش عمل نمی‌کند؟ این یک سؤال است. سؤال بجایی هم هست. اگر این دلایلی که او برای حقانیت اسلام می‌آورد واقعا کافی است، چرا دل خود او را نسبت به حقانیت اسلام قانع نکرده است؟ رفتارش ششبه‌آور است، شک‌زاست. رهبر اجتماعی که رفتارش چنان باشد که نخستین گریزندگان از اسلام، زن و فرزند خودش باشند، چگونه می‌تواند در مردم اثر معنوی ایجاد کند؟

از نظر مرجعیت در سؤالات دینی، به عالمی آگاه، آگاه بر اسلام و آگاه بر نیازهای مسلمین در هر زمان، نیاز است. در زمان خود به عالمی باتقوا و عادل مراجعه کن که هر چه‌به‌او نزدیک‌تر می‌شوی، هم به آگاهی‌اش اطمینان بیشتری پیدا کنی و هم به تقوایش. این قید هر چه نزدیک‌تر می‌شوی را دوست دارم در دل‌ها و ذهن‌های‌تان نگذارید. عالمی که هر قدر به زندگی خصوصی او نزدیک‌تر می‌شوی، هم به آگاه بودن او اطمینان بیشتری پیدا کنی، هم به پاکی و تقوا و فضیلت او. به چنین کسی مراجعه کن. منبع: «پیامی‌از نگاهی دیگر» صفحه ۷۷

	گفت‌مان اسلام	
---------------	----------------------	---------------

	اندیشه فیزیک	
---------------	---------------------	---------------

معماهایی برای رازگشایی از عالم



کتاب «معماهایی برای رازگشایی از عالم» به‌ی‌بهره‌گیری از معماهایی ساده و قابل‌فهم اصول فیزیک را برای آشنوده غیرمتخصص تبیین می‌کند. همچنین با نگاهی ریاضی به این اصول، به یادوستی بین فیزیک و ریاضیات که به‌شدت درهم‌تنیده‌اما عمیقاً باهم متفاوت‌اند، می‌پردازد. راهبرداو در مقایسه‌نگاهی مختلف و حتی متعارض به یک موضوع بنا شده است. او نشان می‌دهد که چگونه نگر بستن از منظرهای مختلف به یک موضوع به غنای دانش‌مان از آن می‌انجامد. مثال‌ها و معماهایی که او می‌آورد دوره تاریخی وسیعی را شامل می‌شود. هم از تفکرات باستانی برای درک محیط و عالم بهره می‌برد، مثلاً در تخمین ارتفاع آتشفرف؛ و هم از رویکردهای مدرن و نظر به‌های بسیار پیچیده و ژرف همچون نظریه ریسمان که می‌کوشد جهان را در کوچک‌ترین مقیاس‌ها توصیف کند.

ادوارد ویتن، برنده مدال فیلدر در سال ۱۹۹۰، در خصوص این کتاب می‌گوید: «این کتاب با معماهای مقدماتی و جذاب، سبزی اعجاب‌انگیز و نامتعارف از ایده‌های پیشرفته فیزیک و ریاضی را برای ما فراهم می‌کند.» این کتاب به‌قلم کارمان وفا و با ترجمه حسام‌الدین ارفع‌ی‌از سوی «نشر نو» در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. وفا، از برندگان مدال دیراک در سال ۲۰۰۸، استاد کرسی هولیس در ریاضیات و فلسفه طبیعی در دانشگاه هاروارد است.

	اندیشه ریاضی	
---------------	---------------------	---------------

از ریاضیات چه می‌دانیم



کتاب «از ریاضیات چه می‌دانیم؟» تألیف والتر آرویک سویر شرح مهمی و شوارانگیزی از برخی شاخه‌های ریاضیات است. در پنج‌فصل اول که به قلمی شیوا نگاشته شده به زیبایی، قدرت و رازورزی ریاضیات، نقش ریاضیات در کامیاب، موضوع‌های سودگرآیاانه اشاره دارد و مفاهیم الگسو و وحدت را به‌عنوان ابزار و هدف تفکر ریاضی می‌نمایاند. مؤلف، پس از بسط این کار زیربنایی مجرد، پرداختن به مباحث پیشرفته‌تر را ادامه می‌دهد و هندسه ناقلیدسی، ماتر پس‌ها، هندسه تصویری، در میثان‌ها، تبدیلات و نظریه گروه‌ها را به‌تصویر می‌کشد. در اینجا بر ریاضیات سودگرآیانه عملی زیاد تکیه نمی‌کند بلکه بر آن شاخه‌هایی تأکید دارد که ذاتاً مهیج هستند - ریاضیاتی که غرابت، تازگی و به‌ظاهر ناممکن بودن را به همراه دارد - مثلاً حساسی که در آن عددی بزرگ‌تر از ۴ وجود ندارد. بنا بر آنچه در پشت جلد کتاب آمده است: مهم ریاضی معتزفند و توانایی وی را در روشن کردن مطالب پیچیده‌آن پذیرفته‌اند. مردم عادی، به‌ویژه آنان که از کمترین پایه ریاضی برخوردارند، آسان فهم‌بودن بخش اعظم مطالب کتاب را ستوده‌اند؛ مطالبی که نه تنها تصویری از ریاضیات به‌مثابه ابزاری بی‌همتا برای کنش‌واکامهت جهان است بلکه نگاهی است برده‌بردار از موجود اسرارآمیزی که «اندیشه ریاضی» نام دارد.

این کتاب با ترجمه محمد هادی شفیع‌ی‌ها از سوی انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.